

Introducing of children and juvenile Books Jamkaran Publications

Edition 2018



Central Office: Iran, Qom providence, Qom city, fatemi martyre St., 28 Ave , 6 No. Phone: +982533732212 Postal Code: 3715666443 Email: ketabejamkaran@gmail.com *ketabejamkaran.ir*

The Prophetic Absence Story

The issue of absconding but God has been accessible to the people throughout the history of divine tradition. And when God tried people in the absence of the Prophet during their time, their level of religiosity was determined or tested, or another wisdom. One of the ways of comparing the story of the Prophets with the life of the Prophet (PBUH) is the concept of absenteeism in their lives to familiarize them with the issue of the occultation of Hojat (AS). In this collection, the story of the absence of the 8 Prophets has been narrated from the divine prophets that somehow existed in the direction of their absence. Prophet Muhammad (PBUH), Prophet Sala'ah (PBUH), Prophet Muhammad (PBUH), and Prophet Jesus (AS) in this The narrative series is.



🖗 👯 🚺



Theological collection for children

It is difficult to teach the concept of monotheism and the wisdom of God and the knowledge of God and His attributes for children. Because we should simply explain the difficult concepts to the kids. But if a simple language is brought about with simple reasoning, we can direct the minds of the children towards thinking about the simple things around him. So that he has an active mind and learn the issue of tawhid in an active and correct way.









Bed Time Stories For Kids

One of the ways to strengthen family ties is to accompany children to parents, and when it comes to children's playfulness, it is a good time for children to give some gifts to the children by doing some kind of storytelling so that they can have a better relationship with their parents by sleeping. Short stories that convey simple concepts to kids. Traditional Storybook is a collection of short stories that teach children everyday and educational issues and behavior in the

form of story and imagination.

Venus and Parviz played. They heard the sound of "Wiz Weis". Parviz asked: "What was the voice?"

Parviz and Zohreh followed the call. They asked Mom how this Wizz wiz came from. Mom came and looked into the window. One bee was stuck behind the glass window. Mom said, "This is the sound of a poor bee."

Parviz drove Megaskish to kill the bee; but the mom said, "No, this little petite does not do anything. Lost his way Do not hurt it. "

Mom opened the window. The bee happy with Parviz, Venus and Mom, and wizard once a week and went out.

Zohre asked, "Mom! Why did the whole beehive Wiz Wiz? " Mom said, "He thanked us with his visions, because We saved him. "



Children's narration of Ghadir's events and al-Ghadir celebrations

This book narrates the presence of children at the feasts of Eid al-Ghadir and their activities, which each year keep alive Ghadir alive, and according to their age, they enjoy more education than before. Two books "The Most Beautiful Celebration" and "The Most Beautiful Eid" have been published in a volume, so that two books can be read by turning the book. With this idea, the audience reads the narration of the children attending the Ghadir incident and is also familiar with the activities of today's kids to celebrate Ghadir. The two middle pages of the book also combine the present and the latent presence of the people in the Ghadir incident.







V

D





ç



Story of Muhablah for children

Ibrahim Hassan Beigi's book is "The Invitation of a Man Whom Say the Truth!" story of this book is narrated from the language of one of the three Christians who came to the Prophet on the day of Muhablah.

I was afraid of fear. We felt the great danger of our hearts and the Christians of the Najran past. That day we were in danger. But we should clarify our duty to

the religion of Muhammad. I wanted to believe in him and his religion. But the Archbishop refused, saying: "Now that we are certain that you are the Messenger of Allah, but we are not ready to accept your religion for the time being to return to our city and consult."

We signed the contract with the Prophet of God to pay the tax to the Islamic government that day, and we returned to the Najran, but I was not calm afterward. It was as if I had left something in Medina. Every time I thought about it, my heart would squeeze. I was blaming myself that I had seen the Messenger of the Apocalypse and did not believe him. This worry and the pressure of a fish did not last long; I and a group of other Najran Christians went to Medina to believe in the religion of the Prophet Muhammad (PBUH & HP).



ومن گفته بودم: هدایه دینمان بشت دینمان شدن نمی کنیم جناب اسقف الاو حس کنیکاوی خ به سوی او میرویم. دردیک ملاقات کنیم و بعد دردیک ملاقات کنیم و بعد

ينيم و تم

M بيشتر فكر و مشورت ینیم و نصمیم بگیریم. و چنین شد که ما به شهر مدینه رفتیه: دیمه روی کروهی شصت نفره از بزرگان و پی

برگردیم و همان لباس های ساده ی سفرمان را به تن کنیم. مقدار لباس های فاخر و طلاق چواهر آویزان به آن در ملاقان پاید شاه مساطان کم و ناچیز است اما برای ما معلوم شد که این مرد با یقیه پادشهان 0 EP

جدادی و بن لللای و پدیرفتن دین جدید کار سادها: بم تادر این باره بیشتر فکر کنیم.» - و گفت تا هر وقت که دوست داریم در

یفت. اسقف حاضر به پذیرش دین ت از دین اجدادی خود بکشیم و پیرو

، تسین دین یهودین بود. پس آوردند؟ از طرفی مگر در انجیل بر آخرالزمان بشارت داده نشده

ست؟» IT

لولين بار بود که به مح<u>ل</u>

خجالتازده کرده بود. و من فکر کرم چه خوب شد عبالباس های فاخر به این ملاقات نیامدهایم. مارا به داخل مسجد بردند. گفتندارسول خدایه زودی فجالتزرم

خواهندآمد علی، ما را به طرف محراب برد و کنار منبر در بالای مجلس نشاند. زیاد طول نکشید که چند نفری وارد مسجد شدند. جلوی آن ها

P

خواهند آم<u>د</u> ہ

IF

2 al A -E

اسقف گفت علوم است که این مرد همان فرستاه 1.05 3.0 است. باشد؟» ہی خدا

باشده اینده میگر آنین که خواند دانشندید؛ کلام او هیچ شباهن به کناد استف میگری کرد و مین داد ایند انداشته نگر می کرد هانق شده است اینان را گذشت چند دهیقه سرش اداند کرد و گفت هما بن بایدیم، انتا شما در چذیش دعون او مطاورد.

می کردند. مقابل مسجد که رسیدیم. گروهه به استقبال ماآمد حال دو گروه دوبردی هم ایستاده ود ما که لباسهای قرضی به ندن داشتیم و آنها که لباسهای ساده آما تمیز داشت. مردی ساده آما تمیز داشت. مردی ود ما کا للایتان از مانتیم و آلمان کل للار مانی مانتیم و آلمان و طلاحت مدار مانتیم و آلمونی و طلاحت مدار مانتیم و از محیک داشته و از مان الا محیک داشته و مانتیم بوران محل مانی از محیک و محل مانی از محل و محل مانی از محل و محل مانی از محل و محل

F

که ما گرفته بودی که ها گرفته بودیم خوشحال شده بود. گوش کنید چه می گویم؛ عذاب الهی :رگان نجران گسترده بود. اگر مباهله بد که دامنهی آن سرزمین شما، نجران

» کی ترتیبی معند نجرار یامد احساس می کردیم چه خطر ن نجران گذشته است. تکلیف خود را با دین محقد روشن او و دینش ایمان می آوردیم. آغا آیلدگی پذیرش دین شمارا در کنیم.» ن دبیم.» ۳ اسلامی با رسول ۲ برگشتیم، امّا بری را در مدینه جا ر می کردم قلیم فش

R

میشد خودم را میزنش می کردم که بیشتر طول تکشید مودم این نگرانی هشتراهای رادیده بودم بیشتر طول تکشید من جعمی دیگر از مسیمیان موجی یک ماهی مدینه شدیم تا به دین بیلمبر خلام ایمان بیاوریم.

69

ان من حق معقد دشت خام الم الحقوق من با الم الحقوق الم الحقوق المن با الم الحقوق الم الحقوق الم الحقوق الم الألف الم الحقوق الم حقوق الحقوق الم الحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق الم المحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق الم المحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق الم الحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق الم الحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق الم الحقوق الم المحقوق الم المسلم المحقوق المحقوق المحقوق المحقوق الم المحقوق الم المحقوق المحقوق المحقوق الم المحقوق الم المحقوق المحقوق المحقوق المحقوق المحقوق الم المحقوق المح

سه دستم را گرفت و به میان جمع خود رفتیم و اسقف با آن ه مشورت کرد. بیشتر ما با ادامه مباهله مخالف بودیم و ب مباهله مخالف بودیه و بیشتر می گفتند که افر موقد دروغ گفته بود خان ادماین را با خود ما مه آورد. او قطعاً راستگوست اسقف گفت: های محقد ما با محمّد با اعتماد به نفسن ستودنی پاسخ داد: «من عزیزترین کسانم را با خود آوردهام تا بر شما و برخی از منابع مانان که هنوز به حقای فن و دینم شک دارند ثابت شود که من براستری فرستاه اهله نمی کنیم.»

شمامه

IV

ین واسقف چند قدم جلو رفتیم، محقد نیز به همراه جمع کوچکی از همراهان جدا شد و مقابل ماایستاد. یکی از همراهانش را شناختیم^و او

و همرافتن را الخاصير او و همرافتن را الخاصير او و دو سريم خلي ميس خليو دام را مد خلي ميس خليو دام را مد منا او م خليو ما را مد منا البن خلي مد العربيان مار مد منا البن خودش العربيان مار المدامي و قول مي امراحي العربيان مار مي مار مع مالي خلي مارم العربيان مار مي مار مع مالي مع المدامين مار مي مار مع مالي مع المدامين مار مي مار مع مالي مع المدامين مار مي مار مي مار مو مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار المدامين مار مي مار مي مار المدامين مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار المدامين مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي مار مي مار مي مار مي مار مي المدامين مار مي المدامين مي مار مي م

بر ایم.»

خدا برای کشیش بزرگ ما که به او اسقف هم من گویب

1

المالية من المالية المشترة المالية المالة المستقدم مع المحافة الم المالية من المالية المحافة المحافة

یش بزرگ گفته بود: «او ما را به پیروی از دین خود قرا خواند». ۱۰ مان دست کنیم و پیرو دین او

سالة اجدادمان ي

یشیش بزرگ گفته بود چگونه ما به دین ششه بشویم۶»

0

گمراه شده بودند و بسیاری را گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند بیرای تکنید از بنی اسرائیل آثان که کافر شدند به زبان داوود وعیسی بن مدیم است شدند، وایی است پاداش عصیان و تجاوزشان

وی می داد می است است این است را این می این د مواردگی این می این می این این این این می این این می این مواردگی این داد کی این می این می این می این می این این می این داد کی این می این این می این این می این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این می این می این می این می این این می این این می این این می ا

بودگه میمند سرش را به آرامی تکان داد و گفت، میله.این کلام خدا بود. به ایمان بیاورید و از پرستش غیر خدا بیرمیزید.» خودم را به اسقف نزدیک کردم و آرام گفتم، میه نظر شما حالا چه

بای این که جواب مرا بدهد رو

به پيامبر گفت: «به ما حق بده

می خواست مدت بیشتری در مدینه بیشتر و دریارهی دین اسلام بیشتر رشنوم و کسی در مین کناششم کسی در مین کناششم و میاد بیش از ظهر به مین و میادشتم مرا ظهر به مین و میادشتم مرا ظهر به مین زشده

19

من مع مرتبات مرتبوم منظر من مرتبور تم مرتبور من مرتبور مرتبور من منه من مرتبور مرتبور من منه مرتبور مرتبور من منه مرتبور مرتبور من مرتبور مرام م

The story of the meeting of the Supreme Leader of the Revolution and fashion? With the sons of the nuclear martyrs

The book "A Delicious Bow" tells a story of the visit of the Supreme Leader to the child's son Armita, the child martyr Rezainejad. This story is narrated from the language of Armitta.

I wish that the children of the martyr Emad and all those who had been martyred with them would have a Baba'i, like a leader. I'm sure Babaei can love us all and weave the hair of us all; I, Armita and all the kids who have gone through a very important mission. So happy kids like that, both of us.





Even Baba is laughing at the photo frame. I know my dream is easy for me.

Another book, "Babay in the frame", narrates the visit of the Supreme Leader of the Revolution and the family of the martyr Alireza Ahmadi, which is narrated from the language of Alireza. I wish that the children of the martyr Emad and all those who had been martyred with them would have a Baba'i, like a leader. I'm sure Babaei can love us all and weave the hair of us all; I, Armita and all the kids who have gone through a very important mission. So happy kids like that, both of us. Even Baba is laughing at the photo frame. I know my dream is easy for me.

👹 и 👘

V

۴



بینهای فدرهند داد را **و یا ی** باند ندی بینمانی کوچونو دس مینود. مربوس و یا یا ای در مدی یا یا یک مد مونو و در موجد کم ترقیم که مرکمی داد مسرد مدیر موادق که و احد مدیری داد شور محد تا ی و یا یک می مود در در که مرکز - یک مرد در مدیر محمد مراد مرد می مد منی او می تولند بد

^{مای} اوخیلی سفیدنداز م و فترکردم **بابای**



باباسي

له خانه و شعوو داین و عنه، همهای قابیل ها چند روز است که خانهای انه جانه و شعوو داین و عنه، همهای قابیل بگویم زود قول میکند. انها در . من می موانیم می این می این می موانیم می م می می موانیم می موانیم می موانیم می موانیم می می موانیم می موانیم می موانیم می موانیم می موانیم می موانیم می مو می می مولیم می موانیم می مو می می مولیم می موانیم می مو می موانیم می مو می موانیم موانیم می موانیم می موانیم مو موانیم مونیم موانیم موانیم مونیم موانیم موا

ان فره مسته مای از می بود میکه میکه رای دور می میکه می میگرد. مسجو موجود و انقلاب از این میکه رای موجه کسی تعییم ما <mark>مانی</mark> این از میکه رای این این موجود می میکه مسال میکور میکه میکه میکه میکه میکه میک این این این میکه رای میکور می بودید میکه میکه میکور از مراح مان این میکور میکور میکور میکور میکور میکور میکور میکور میلوم میکور میکور

0

اليمان مديرة و**المان المد**ور ومعنى وكليمانير علم باعد العامل عن علية قدر العامر وعن وأيا ورد في يعادم عصى معنه. العاملية عامر الله حرافة العاملة وقد الانتظام معنه المعامل معنه. وهذه عام الم الروقيقي وعد معنه ورفعاني وعدم وعاملي وعدم بإيالي مح من والانتظام و.

F

ارهیتا<mark>ی دریایی</mark> مرکوبو ، دکر کو در د م بالمحلف نخصان میکاد «این توی لِه خنامی کنی ای راد برد» می خوانع بگویم خاند بال هم برلیش کنید ! بیدا کند، که می ترسم غصانین بگورد. **دا دارید** مرحلم قوی ترد،

این ارزین بال مرکنم و بعد به **بابای** ت **بابایی ه**م معام دومت دارد. م به هاهان هم درجوان مرکزید معت دار مربا

ار این که سعه دیگران این خوان میکند و این برای میکن هم کنی و میکند این میکر میکن این خوان میکند این میکنی میکند میکنی میکری میکنی این میکنی این میکنی از میکنی این میکند سال میکنی میکنی در این طرف دون این میکنی میکنی این میکنی از میکنی میکنی میکنی میکنی این طرف دون این میکنی میکنی میکنی میکنی و میکنی میکنی میکنی میکنی میکنی این میکنی میکنی میکنی میکنی و میکنی و میکنی میکنی میکنی میکنی و میکنی و میکنی این میکنی میکنی این میکنی این میکنی میکنی و میکنی و میکنی و میکنی این میکنی این

Mozhdeh Gol: The stories of the life of the fourteen innocents? Ah?

The book of "Mozhdeh Gol" contains short stories from fourteen infidels (PBUH) for a child and adolescent age group, recently published by Mahmoodpour Vahab and Majid Mullah Mohammadi. This collection introduces children and teens to the life of the fourteen innocent (PBUH) in the most part of the story. Each volume of this collection contains ten short stories from every infallible one.





ی محرب دارد که چنین علمی را به یکی از آفریدهای خود، مثلاً به نظر تو، یک پشه بدهد؟» . . .

یک پشه بدهد؟» (بای حسین، اینک هنال او خیلی ساده بود. اصلاً نیاز به فکر کردن دادشت قومی گفت: «الله عنه که خدای نزرگ چنین قدونی دارد!» خداوند. از پشه و اسریاری مطابقات دیگر گرامیک هستی خوب... می نزد حسین از حرفیای او جا خور در فکر فرو رفت اما هرچه به هنز خود بهرد.

پویس. دوباره به او خیره شد. مرد غریبه با همان مهربانی و خوشرویی در کنارش ۱۰- تاریخه

ر موانای به او خیره شد مود غریبه به همان مهریمی و سرسمینی ایستاند بود. حسین رکتون و به شد بودان چشم دوخت، باد دوستانش افتاد که با حکوهای زشت و بر از دوغ شان، این امر ادر نظرتی بوداخلاق و معرفور میجان داد مو گفت: اظال میا جال از کیرانده خاصم شده است. بعد با عجله به سمت بغذاد رفت تا به دوستانش پاکیود در عمرش، مردی به خوش دوی و مهربانی امام جواد بخسم است.

خودت مگر دیشب به من تگفتی که قوی ، رفتی و برای اولین بار با ایمام حسن میتیر آه... بدیزبرک با حرف هایش ، بار سنگیز رفتی هاتمهایم برداشت. آن ماجرا پاک ممين ديشه ، بود که رفتم مجتبی بندستدر مسجد است. در دیدم امام هم در بنها اوست. هنوز وقت اذان نشده بود. چلو رفتم و گفتم: هچه خوب شد شما را در اینجا زیارت کردم! من خیلی شما را دوست دارم.» مجتب

دارم، المحسب معتمی محسب موجی سعا را دوست المان صلاح می معتمی محسب مودیاتی به می گفت: معترفان علاقی یک دارد که ۲۰ بادفان به معالم کودن معرفی محمد کو دکتر نظر بودند. (معنی سلام می کند و منتقر سلام دریک است) گفت: الله بسیر بهانم العزاز معرف معترفی مام کرد، من مرکز فکر نظر نمی کرد. به دیکران، این همه از زین

دهنمه بعدده بعد هم رفته پیش پدریزرگ و ماجرا را برایش تعریف کردم. پدریزرگ گفت: هاچپ باکسرایی کرداه گفچ خوب نگمداری کرداه

دوست

رار. گنجشکی روی شاخهای گیچشکی روی شاخهای نشست و به ه ه همراه دوستانش داشت از کوچهای زد نان بر کشید و بالکی سرتان به برواز درا ته بود و با خوش حالی همراه آنها می اف چمها مشغول بازی بودند. شتری غ س و هر چیزی انگار خوش حال ی کنان ہر می: انگار

ې پير

فر هم . تبادر

ا گرفت و گفت:

R

Fourteen Infinite For Children

This collection contains a brief history of the life of the fourteen infallible (Ali) for the child's age group, which summarizes the children with the corners of the history and life of each innocent imam.



🖗 🔐 🐌



Education for Alliance and Co-operation with Children

Teaching religious concepts and lifestyles for children sometimes needs to be expressed indirectly, indecently, and allegorically. Such as teaching social concepts that the child does not even have an understanding of. One of these concepts, which has a social continuity and all religious trails and values, is the subject of the unity and integrity



of Muslims and people against external threats and enemies. To the extent that God in verse 60 of Surah Al-Anfal orders people to unite and equip themselves against the enemy to frighten this enemy's behavior and enemy of God; وَأَعِدُّ وَانَّهُمْ مَااسْتَطَعْتُمْ مِنْ قَوَهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوْهِبُونَ بِهِ عَدُوَاللَّهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قَوَهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوْهِبُونَ بِهِ عَدُوَاللَّهُ وَعَدْوَلَكُمُ مُوَاخَدُوالَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قَوَهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوَلِّعَدْ مَا الْسَتَطَعْتُمْ مِنْ قَوَهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوَهَبُونَ بِهِ عَدُوَاللَّهُ وَعَدُواللَّهُ مَا اسْتَطَعْتُمُ مِنْ قَوَهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوَهِبُونَ بِهِ عَدُوَاللَّهُ مَا اسْتَطَعْتُمُ مِنْ قَوْهِ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُوَهِبُونَ بِهِ عَدُوَاللَّهُ وَعَدُواللَّهُ مَا السَتَطَعْتُمُ وَاللَّهُ مَا الْتَعْلَمُونَ to educating the child and paying attention to the issue of unity. Under the sea, the fish have a good life, but they find the eightpoint who harasses them every day and even eats them. Until the mind reaches the smallest fish and makes the fish save.

Octopus arrived at the fish's place. It's a great and strange shark. Very scared and ran away.

He went to the fish and said with a laugh, "Ah your neighbors! Ah, friends! Octopus was afraid and went. "

From then on, Octopus did not dare to hurt the fish. Fish also learned to always be together to have a better life.



Hearts of the Bigger and Help

The story of the kids of a class who do not have all the teacher's air and their teacher's displeasure with their behaviors! Children who do not respect their teacher's status and respect and do not hear from him. Then with a problem, another teacher is not at their disposal! What do babies do now? Yes, they decide to go for their own teacher. This book reminds the concept of the need for the guardian and the need for proper treatment with the guard-



ian and indirectly, but the Imam and the children remind him that if he does not have to go to him. However, some of the equations in the story space are different. But the principle is the relationship between people and their leader...

The kids were blown away saying that the teacher was angry at you because you knocked at the tail. The cold also told them that all of

you mistreated the teacher.

The teacher's depression lasted for a few days. Even one or two times got together. All the kids were upset and, of course, polite and calm. On the way home, glasses told the mice that her sister was a student of psychology and said that she had been depressed from her children. The kids got very upset. They discussed them together. Each one missed the teacher's throat at his friend's neck and said that you had a teacher's illness. "It does not make any sense," Kepple said. Each of us in the classroom has unhealthy behaviors. Instead of discussing, we need to think about something. "





Animal complaints against bureaucracy

The story of the teenage humor "The day the forest animals settled complaints" is the story of the forest animals that have lost their lives due to the development of cities and wildlife in the forest, and they want to sue the perpetrators to solve this problem. This tale of humorous language attempts to



exaggerate the exaggeration of some of the administrative procedures of human societies. A joke on the subject of a resistance economy on the edge of a razor. The issue of resilient economy is, on the one hand, the order of the elders, and on the other hand, the emergence of a resilient economy is due to the fact that Iran is a very unhealthy economy, and I think one of the reasons that the supreme leader raised the issue of resistance economics is the same unhealthy. I also took this unhealthy line and continued the humor.

Passed and passed. Several years passed. The forest was the same forest and the same builder. The jungle animals, whose blood had been boiling, gathered one day to pick up delegates and send them to the city to lodge complaints from construction companies that had turned the forest into a garden. At the same time, it was common sense that Mr. Elephant should go to this high-risk mission. "Now, what exactly should I complain about?" Said Mr. Fille.

- from the manager of a construction company called Bebor o Bebabr.

Well, what's the name of the company's director?

- Jungle-born Lion!





Looking for insects

This collection, suitable for young children and children, tries to capture the lively life of these creatures. And he has tried to convey the corners of God's wisdom and wisdom to the children along with the scientific look at these four insects.

Bees and humans have been friends for thousands of years. God has cured many diseases in honey and you like the honey that we make, honey is very delicious and the food is very healthy. You, people, make hives that we use as nests and homes. We make honey and wax in them and you can take more honey and wax from them. "Soon, you see girls and flower boys! I have to fly so I can gather more honey and pollen before darkening the air. " You, people, use butterflies from our silk to make women's clothes and other things. The creation of this material is such that if you look in different directions in a silk dress, you will see different colors. In the Holy Qur'an, four times from silk as a dress of good and believers in paradise









🍇 🔐 🚺

المین اصدید دوبانه ساخی اهستند امانش تابادی حو شامله کنید و با یه مراکز کم های ترایز و یک از کم و بیگر و سند به یک ولی می شود ساخی می شدید مشر بسی و بیگر و سند به یکی از کمانی شد می آمدید می ایند. دارشنامی و این دکته استفاده می آمدید میشود را بیگرها با روسان کوانها با مقدمه می آمدید میشود را برهایی با روسان کوانها با مقدمه می آمدید می آمدید را برهایی با روسان کوانها با مقدمه می آمدید می آمدید را برهایی با روسان کوانها با مقدمه می آمدید می آمدید مقد مرفز کنید خوانها با مقدمه می آمدید می آمدید

چگونه خورده نشویم؟

ان که این هستیم موانین دادی این مرابع از مرابع از از موانین از این مسیره موانین در این می این مسیره این این مسیره این از موانین از می این مسیره این مسیره این این این مسیره این از مان مسیره این مانین می این مسیره این مسیره این از مانین مسیره این مانین مسیره این مسیره این مسیره این از مانین مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این مسیره این این مسیره این این مسیره این این مسیره این این مسیره این این مسیره این این مسیره این

> تعيير قيافه باورنگې:



in the same of the part of the same of the

بالهای رنگارنگ ما

> یکنمون نمام شد خلا وسط این انه پرامامراری در زندهای اصل می گذار یک تسمیره توجید او نیم خوره وان و در آما استرسان، خلا یک موتی ایش، میک میرام یک افضار به با توان است. یک میک روز این امار کنم که این رشدها و مسکور میراند. حکوم میراند. حکوم این افسار است. حکوم این افسار است.

ر عنکبوت طور کار بی کند؟









00



The story of the hadith of Casa

This book describes the story of the fall of Gibreel and the presence of the Prophet in the house of Hazrat Zahra (SA) and the narration of the hadith Sharif Kasa is the same as the same verse of the Qur'an, where five al-Qubi gathered together. I had come a long way; with a small caravan with sales.

My sister put me on a camel next to other fabrics. He was in a hurry to reach the city of Medina. Her owner was a merchantman, who was a cloth, dinner and a variety of dishes. He always takes his sex for sale to Medina. I was made of camel wool.

I am a woolen fabric woven in the land of Yemen. They say to me: "Yamani Casa". Arabs used us more for dressing and dressing. Because of this, I became the gown too. I opened my eyes on a quiet day, among the buyers of the city of Medina; a man took me to the market and went to a lovely little house. The house was light and kind. Imam Ali (peace be upon him) and his loyal wife, Hazrat Fatemeh (S), lived in that house, and I became more familiar with the time of the time



🕌 📶 🚺



27

Prophecy story

Children enjoy stories. Particularly about the patterns of personality and behavior as Divine prophets are discussed. These stories are especially useful for children who grow up in religious and believing families. And the awareness of individuals of the lives of these elders is important from the very beginning of childhood, in order to mix their behavior and their lives and future to accept the behavior of the prophets. In the Prophets story series with the story of life and the stories of 12 great prophets for children in the form of a story. In this series, the story of Adam (PBUH), Prophet Noah (PBUH), Prophet Saleh (PBUH), Prophet Adries (AS), Prophet Solomon (AS), Prophet Ibrahim (SA), Prophet Younis (AS), Prophet Jesus (PBUH) and the Prophet Muhammad (PBUH).



🖓 👯 🝺

انونع کرد. در این قریلی زین که به این این دهستر در این مرانی دعوت کرد و به آنها گند. منبی، این مرانی در سال محمود استان مردی بود این همین می این آمیز دارد این همین مه از واقیت سطرانی این عنون و مسئور دانند کس به این مکتر، وقتی سطری (افانه

0

VVI

VVI

المانية فقت بيدان مل الم التركي المن على المرابي على المرابي بير ملد التركي المرابي على المرابي على المرابي بير المرابي المرابي

و کلی منطقه بود. نام ملاه عبا ما علقه و رندگی نیرو در مرم بو را علقه رفته می شما همیت و رابط عنا منطقه به رغم کوش هاند. من دیگر کش و میک عشر روک میشود از اینا منطقه بوی از مرکب و منطق می قبر و مدان کانون را قبود موجر این کش میک و مدان کانون را قبود

هیک را مسلوم کودند. مرد که خنددانی آرام از دست دادهای سیا و خدایت را فرانیوش از همین می می می از عذاب خدا بر زنگ ایمان ساورید. من از عذاب خدا بر ۱۰۰ است ا بگذارند کیشنی اش را بسازند و

> همی ۲۰۱۸ «باران و طوفان بزرگی شواهد آمد او ایمان بیاورند و سوار کشتی اش گوش همه برسانم »

ار بویسل هیل کرد. باین بنک میخ کوچک یا

هم جاین قدران دارم. بعد از این می توانم کاری م از نظر امولهم ای رفت، داشت غرق مینشد غیباد زد و از حضرت ساحل رود آورد، مرد پرسید، دید شد؟ جزامن

میدند که مردم آبجا هدگی شرده کمی آنها را دلن نکرده است ؟: ماران شده است و همهٔ آنها با هم کردند.»

با دور کنم. به کمک خدا یکی از هاایستاد و دعاکرد. آن شخص تردیدی و از دین حضرت موسی(ع)

ن تورديم .» بدريان نيوديم .» و ظلم هي کنند ، خداوند



یک دور اصلاح میریانی عمالین را و به آسان یک کو دور آب دیکس کیک واری بیاند. این این از اسانی میرو میدند. از این وکل شده میری م ایون کرد. این میکمان کلک بیان در یک وقع است که مانه باران میریانی این است میریاند. از اور می کرد این باران میریانی این است میریاند. از موری می محترب میریانی میلم داده اگر این میریان دارم. این را میری این از دارم.

11

اری دور. این دوری بید اید اما فرمون درم گفته بود و از هم این طراح خریج با صد ری علیه خالب این دوری بید اید اما وری وی و این ما با می این طرح مای تبار دارد مید خارج خوم میدادی دفوان مواج می دام مورد. اما بدون مسر و فریدانمان این ما باید در مسر باعداده

. فرشنة بالصورتي هم آمد و كنار

رور قدم های هروران جزائر و مؤتار کمی فرایست مرد می تورند. کارایسان داری ها هسیم گرفته ودند کمی در بیشان و بیشی هود، کارانها را دورت، پلند انده و رفتند با ناکه حکومان را دورند، کمی تریز مارانیم موتان موتنی آمدیو... به ید چشمش داری داریند را بایه جزیری در سوسان مرزم افزوه و گفت، دو این با چه کار میکن بوده کرو. دلمی رو داریند داریند و این در موسان مرزم افزوه و گفت، دو این با چه کار میکن بوده کرو. دلمی رو داریند داریند و موتنی داریند و گفت، دو این با چه کار میکن بوده کرو. دارین داریند این

المرابقة مع مستورية بالبنية العلم المرابعة مرابعة المرابعة الم مرابعة المرابعة الم لمية مرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة الم

الميكن العديمية، من معلم السماء الميكن العديمية مالى طلال المعلم المالي معرف المرامي الميكن العديما بالميكن المعلم معلمان بالمعرب الميكن المحلم عمالي المعادين الم الميكنية عدما ماليك المعادين الميكن المحلم المعادي المعادين الميكن المعادين الميكنية معادين الميكن المعادين الميكن المعادين المعادين الميكن المعادين الم الميكنية معادين الميكن المعادين الميكن الميكنين المعادين الميكنين

المراكبة ا مراكبة المراكبة المراكب المراكبة الم المراكبة الم

لم یکی است. می این این که به دینی می موانی مواقی می این می این این که می این می این این می این این می این این می این این می این این می این می

اندی شده بعد در میدان مید <u>اندیسانی ا</u>فتار باد و میدید و شوار همید از شدید کام ^مانیس میده به شوار میداند. و کند: «ای آی<u>شن</u>ها ما را ریختی»

ر داري ، پس لشگرت را جمع کن و آمادهٔ

المناسبة من المناسبة عنهم المراسية المراسية المناسبة المراسية المرابيان المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية المراسية ال

المراز المهما به طرف نصر انجام هی مایی از می میانی از می میانی کرد. وید را معینی افزاد مین بدینه بدین معینی معانی و کمک موانو می از معانی ساعف نود. از در سرخود احسانی کرد این ایرا از در طراف اندا انار از دست آن ماهم کاری ساعف نود. این ورد افزام شد و دیگر صنایی از او به گونی نرسیا، پشتای که مامور عدا بود. جانش را

The Era of Life

The creative book of "The Era of Life" is the story of the periods of human life in simple storytelling. This short narrative portrays the story of the creation of man and the fall of Adam as the first prophet and the flow of the life of the prophets. The narration of the



prophets' history in this book is written with the view that all prophets tried to provide the conditions of life and the liturgy of the emergence of savior. Its distinctive visual features and design make it different from other books. Parallel to the narrative of human life and the activities of the prophets, we see the illustration of these events behind the text. This illustration has been co-mingled with accordion, and this is a curtain of the narrative of human history. Jamkaran Book Publishing has published this book in two colorful and light blue (suitable for painting) models.





Critical History of Slaves from the Past ...

"This book, the slaughter of free humans, dates back to the length of the history of human life, but in the contemporary era, the capitalism of the vampire that was formed in the West, has become so widespread in this ugly case and has slave the whole world indirectly through the slashing of colored people. And their affiliates.

The industry needed to consume, and black slaves devoted their lives and lives to the production of high-quality products: sugar, coffee, cotton, tea, rice, tobacco.



From the day the seamen occupied the Portuguese and Spanish, they built their first colonies on the new continent, everything was bitter for the indigenous people, and this bitterness continued with the exploitation and destruction of many generations of Africans.

From the day the seamen occupied the Portuguese and Spanish, they built their first colonies on the new continent, everything was bitter for the indigenous people, and this bitterness continued with the exploitation and destruction of many generations of Africans.

By translating existing sources, and in most cases by stating the untold stories of history, this book has tried to narrate the great tribulation that has been inflicted on many human beings in the world.

The people who were the victims of the monstrosity and grudge of the European and American traders and capitalists



نژادپرستی و بردهداری

برانتها مرا امریکه مسویا دولت عمل میکند. آن ها تنها رستانها مرا امریکه مسویا دولت عمل میکند. آن ها تنها و دوستهای امریک مسافری میدان میکند. این میکنیون در مراکزی میکند این میکنود این میکنود این امریکی میکنو در فای مسابر ها در فانی میکنو می شود میکنود میکنه امریک دولت مورد مرافق میکنو میشد. امریک رمو در میکنو (دیکریمه) میکنو.



محمد علی (کلی) افزون بر مسابقات ہوکس سنگیںوزن، کاسیوس کلی بہ دلیل اینکہ اسلام آورد و نام خور را به «محمد» و نام ا به «علی» تغییر راد

مارتین لوتر کینگ ج.آر

ربن دھبر حرکت حقوق بن لوتر کینگ ج از بور

ستراليا

د علی»، از ا<u>تفاقان</u> » «کاسیوس کلی» نام ر ارتش آمریکا برای

مكلاكسكلان

ده در ۱۴۰۰ تا ۱۶۰

در انتهای قرن مجدهم، بریتانیا هر ساله حدود سیصدهزار قیضه تفنگ به آفریقا صادر میکرد.

فيانوس أطلس

الگوهایتجارت

ALC:



يالات متفرقها

ین ۲ ، مشاله فاصله البغی بود که کشور از د. ماجرا تمام ۲۰

شد تا فراموش شو مىخوا

اقیانوس هند

د. و خود را ا

تجزيهوجنگداخلى



(مریکای شمالی

140



نتقلال، اصفاقی می ورد. ۵۰ و متم هستند بردهداری و بردمها م داخلی نبود، بیشتر بهانهای بود برای ۱ . مال م



33

Hove my family

A book to introduce children to the concept of family and to strengthen family ties through education and stories, and activities such as painting and photographing. So that the children become more aware of their family with more practical measures and tighten their family ties and put their siblings together with a book.



























Teaching Ablution and Prayer

This book teaches children teens with beautiful text and beautiful illustrations and prayers.
















Quran teaching for children

The growing enthusiasm of the noble and revolutionary nation of Iran for learning the Holy Quran and welcoming respectable families to learn about their loved children and their loving children to this illuminated book on the one hand and the existence of shortcomings in the educational system available to teach the Quran to the enthusiasts to the place that has been unfortunately seen by individuals. Many still have trouble reading the Qur'an. And since the best age for learning these teachings at an early age in the birthdays, we again came to the feet of your children. and we renew our hearts and minds with a refreshing light of the Qur'an. And how beautiful it is that your child first leaves the green of your mind by familiarizing yourself with the Qur'an so that the light of the Qur'an will make your ancestors grow as fast as possible.



















Western Travel (Illustrated)

The story tells of a personal language that has died and begins when the narrator of the story dies. After the bathing and burial, the narrator defines the story of the grave question. And then refers to the pressure of the grave. The various sections of the book are based on the material that has been mentioned in the hadiths about the universe. Things like the torture of the grave, the punishment of some acts, meeting some of the alms, ... is included in the story. In different parts of the book, the verses of the



Qur'an or the hadiths are commented according to the narrator's story. The author has attempted to explain the role of Shiite beliefs, especially belief in Ahlul Bayt and love for Imam Ali (PBUH) in the post-death world. In such a way, the leader of the narrator is Hadi, the guide of the narrator. Hadi's writer introduces the love of Imam Ali (AS), which is embodied in the world of grace as a youthful figure and helps the deceased person. In the course of the story, according to the pleasures and tragedies of the path, numerous ethical and religious recommendations have been



quoted. The book is now illustrated with engaging visuals















Childlike Answers to Religious Questions

The book's addressees are parents, but the book's result is for the children. The book has taught parents how to answer the 25 most common questions in the field of belief and monotheism. Some of these questions have also raised and answered a few subquestions and total sixty questions. For each of the questions, at least three levels (in terms of age, education, conditions, and experiences of the child's environment), and sometimes up to five levels, are provided: - Since the cognition tool is tied up



with the senses in the first level of the child, the responses at this level have been as tangible as possible and accompanied by an objective sample that approaches to child's mind.

In the second level, the content is more dynamic and semi- arguable, and based on common information. At the third level, responses are scientific and argumentative. In addition, besides the arguments, in some cases, the statements of the elders are also mentioned. In some cases in the fourth and fifth levels, we also see the responses that are more scientific and argumentative. Some questions answered in the book:

Why don't we see God? Where is God? How long has God been? How big is God? Why doesn't God give some of his stuff? What is God like? Why did God take Grampa out of us? Why is God creating retarded people? Why is God bringing people to hell? I don't like being old. Where are we going when we die? Why did God make the devil?





Childlike answers to religious questions

The book "The Long Breath" is a beautiful title and story written about the presence of the absent Imam Mahdi ('AFSh") and the half-Sha'ban in the lives of teenagers today.

I'm dreaming. Mom says: "It's the night of Eid; I think it's a good time to ask a gentleman to pray that God will be good soon!"

I say: "What a benefit! I could not do anything to celebrate this year. " Mom says: "Who said you must do something! It's a sign that you love it! Now eat your fruit."

The Prophet's Reyhaneh

The book "The Prophet's Reyhaneh" intends to picture a drop of the spiritual sea of Hazrat Fatima Zahra.

This book is written for teenagers and has been published in the category of "Jamkaran Sparrows".

It is the night. The Jewish woman wakes up. He wants to go to the yard. In order to walk into the yard, she's walking into the room on the right. There is a strange light from that room. The woman is amazed. Goes to the room. Feet inside. Suddenly, the light that shines brighter than the sun and comes out of a black tent. Terrified. Exits the room. She goes to her husband's. She says: "Ah, man, wake up. Wake Up!" The man opened his eyes: "What happened woman? What's up?! " The woman says: "A light! A strange light comes from a tent inside the right room!".







Child of the Kaaba

The book "Child of the Kaaba" intends to picture a drop of the spiritual sea of Hazrat Amir al-Mu'minin Ali. This book is written for teenagers and has been published in the category of "Jamkaran Sparrows".

Amir al-Mu'minin and Abu Bakr is leaving the Prophet's mosque. So they see each other by accident. There is a moment of silence between them. Amir al-Mu'minin take a meaningful look at Abu Bakr. He said: "O Abu Bakr if I show you the messenger of Allah and he will tell you Ali is my successor, do you accept and give me the Caliphate?"

Gabriel's Wing Sound

Mohsen Na'ma In this book, wrote a number of documented stories of the life of the Prophet of Islam. Written in simple language for teenagers.

The titles of the book's stories are: Another Esmail, more beautiful than the sun, sick and physician !, read ..., a few dinars, repent, wealthy and poor, Trust, house of hypocrisy, Parquet money, two dirham, happy journey, mother, ease, Camel Shepherd And Shepherd, thinking and worship, Gabriel's Wing Sound, Deal, an advice, a turban and a slap.



As you know, our tribe and the Ose tribe have always been fighting and fighting. The Khazraj tribe has never been at peace with Ose, and also is Ose with Khazraj. In a war that happened a long time ago, we were defeated hard. Now I have come to you from Khazraj tribe to help us and against the Ose tribe... Atabeh interrupts Asad's words and says: "You're far from us. In addition, we are now in trouble and have big problems. " "What is the problem?" Asad says curiously. Atabeh replies: "Muhammad."

Asad asks strangely: "Who is Muhammad? Where's he from? What is his problem? Did he rush you? "

Atabeh replies sadly: "Muhammad is a youth who recently called people to Mecca to a new religion. He questioned our gods and introduced a single god. So far, some people have also been distracted. If we make it late, he will deceive everyone in Mecca. "





Karim al-Aba

The book "Karim al-Aba" intends to picture a drop of the spiritual sea of Imam Hassan Mojtaba. This book is written for teenagers and has been published in the category of "Jamkaran Sparrows".

Imam Hassan raised his hands to the sky. Prayed calmly. One of the worshipers behind Imam Hassan is sitting in prayers line, he looks at the sky. The sky is changing. The worshiper says: "Friends, look at the sky. What is going on?! " They all rise and look to the sky. Suddenly, everyone sees with their eyes that the sky is split and the angels come out of it, and every one of them has a lot of food, fruits and various varieties in their hands! Everyone is staring! All are staggering. They say to themselves, "Do we really see the angels that we have heard of their description?" It's also stuffed with food and groceries?! "

Angels come down and come down to Imam Hasan

God's Blood

The book " God's Blood" intends to picture a drop of the spiritual sea of Sayyed al-Shohada Imam Hussein. This book is written for teenagers and has been published in the category of "Jamkaran Sparrows".

People of Kufa look at the rain with astonished eyes. To the rain that they did not think to a load of Hussein's prayer. Everyone is amazed and surprised. All the hands of thanks are raised. Everyone is happy. They are going towards Hussein. One kisses his face, one kisses his hand, the other hugs him. Everyone expresses some kind of kindness and gratitude. No one knows how to thank Hussein. A favor that no one can compensate it; Rescuing people of Kufa from thirst!!







Audible animal stories

The story has always had an effective and constructive role in the thoughts, morals, and culture of human beings in history. Many who have grown and guided by healthy and useful stories.

With the onset of human history, storytelling began and, as one of the cultural issues of human interest, opened its main place among all human beings in history. One of the stories that have always been popular with people is animal tales, in which the main or secondary role is assigned to one animal. In general, the presence of animals in the collection of the moves of a story adds to its diversity and attractiveness, making it more pleasant to hear and read. The book is essentially new and is a collection of healthy, useful,

and documentary stories that have focused on animals and their moves. The training courses of this collection are many, and without exception, any story of one or more Educational or educational point that is effective in strengthening the beliefs, ethics and other dimensions of human religious and value culture.

The story of sacrifice

Every teenager in his life has many aspirations in his mind and thinks about some very serious and he is trying to make it happen. Dreams that make the future for a teenager. Now, suppose that on the path to the reaching of this wish, our teenager must choose and choose the different situations with the concept of his aspiration, and then choose the most important one. This is the reason that makes the age of adolescence and youth, as a great choice; the choice between two good things. Now if the second choice is in relation to someone other than himself, the decision becomes even more difficult. Abbas, a teenage boy working in a car repair shop, a dream of flying with Paramotor and trying to get there. As long as she meets her with bigger choices. "I love the flight with Paramotor," a novel for a teenager's audience, whose author Ali Armin and "Mohammad Reza Zarghan" also portrayed the work.



64

رضا اخوى

A Simple Conversation Around The Most Beautiful Living Need

One of the most basic needs of man is communication with the Creator of Being. In all religions and practices, actions to address this need are considered necessary. Meanwhile, the Islamic religion emphasizes the fulfillment of prayer and its importance in seeking to promote human being as a divine caliph. Reza Akhavi, the author of "Positive Seventeen", has talked to a teenage audience with a teenage-looking language about prayer. The author uses the phrases, examples and metaphors that are updated and derived from the everyday life of adolescents, and occasionally using satirical language, to express the philosophy of prayer and its works and blessings in form of short notes. Undoubtedly, the combination of religious concepts with computer literatures doubles the reading pleasure.

A Sea to Got Calm!

"There should be a sea" In the very short chapters and excerpts the important events of Imam Muhammad Baqir's life for its young audience. Mahmoud Pourvarhab, a well-known Iranian writer, has not taken a linguistic language in his recent work, while he has not removed the language of writing in today's standard language and has not gone through a historic era. His concern is getting acquainted with the adolescent audience with Imam Mohammad Baqir's life. He knows today's



audience not read something else except textbooks, speaks in simple language in order to introduce Imam Muhammad Baqir to his audiences. Firstly, this is a blessing, and it makes today's teenager not bothering himself with heavy words or phrases. Next, pick out the story of Imam Muhammad Baqir's life.

The Tekbir's voice wraps around the mosque. The old man smiled. He saw that Rafi and his followers went to Imam and said hello. The old man came out with joy. He wanted to deliver his cargo early and return to the mosque for prayer. He wore his gown and went to his donkey. The sun was setting down and a breeze was blowing. The old man thought with himself: "It is necessary for the sea to be joined by the stream and the rivers, and they should be laid in it. Yes, there should be a sea. "

Two children were still under the tree. Seeing the old man came forward happily. The old man relaxed the bag. He poured out some of Khark clusters on the boys' long garment and said: "Get them, that's good and blessing Ali too."





A Fantasy Novel with a Ouranic Concept Training Approach

A fantasy narrative of a religious adventure. Mohammad Jawad, who is trying to find Aliens from the basement their home, among the cartons of the book gets acquainted with a bird in the basement of the home, which leads him too complicated and many adventures. The main feature of the novel, "Mohammad Jawad and Ilya Sword ", is his approach to the Quran; an approach which novelty is its main attribute. Mohammad Jawad goes to the Quran Garden, where he

gets acquainted with many personalities, each of whom modifies a portion of Muhammad Jawad's existential dough. The fantasy atmosphere of the book is entirely Iranian and native. The author has endeavored to pass through Western space and become a native model for creating an Iranian-Islamic fantasy.

Mohammad Jawad took Ilya. The light that reflected from Ilya had lit up his front. After a while came out of the cave. Ilya was so obliterated that he did not understand how he had reached the last stone. He stood in front of his friends. Zal stared at Ilya. He could not believe that Mohammad Jawad's weapon would be Ilya. But it seemed that Salwa and Homa were waiting for such a thing. Homa took Muhammad Jawad's hand and brought him to the land.

Salwa smiled, " Ilya is a sword that is not suitable for anyone. This sword has many abilities that only its owner can discover. " "Let's go to the exercise," Homa said in serious tone



